

# منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان، تحرکات انرژی اسرائیل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نویسندگان: محسن کرمی ناوه کش\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۱

داوود نظریور\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۰۳

۴۹

چکیده

رژیم صهیونیستی اسرائیل برای رهایی از فضای متخاصم میان کشورهای خاورمیانه، از سال‌ها پیش در پی گسترش نفوذ خود در مناطقی همچون کشورهای مسلمان‌نشین غیرعرب بوده است. بعد از فروپاشی شوروی، شرایط تا حدودی برای اسرائیل فراهم شد تا با نفوذ تدریجی خود در منطقه قفقاز و به خصوص جمهوری آذربایجان بر مبنای تفکر ابتدایی رهنامه «بن‌گوریون» یا همان «نگاه به ماورای حصار عرب» مناسبات گسترده‌ای را با آذربایجان برقرار نماید. این روابط پس از سال ۱۹۹۲ در شکل‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی و فرهنگی نمود یافته است. حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان به خاطر منابع سرشار از انرژی آن، فرصت بی‌نظیری را برای تل‌آویو به وجود آورده است تا بتواند بخش مهمی از منابع مورد نیاز خود را تامین کند. این امر با توجه به انزجار ایران از سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه ائتلاف غرب و اسرائیل باعث کاهش سطح اثرگذاری راهبردی - امنیتی تهران بر باکو و کاهش امنیت شده است. در واقع با حضور گسترده اسرائیل در بخش انرژی جمهوری آذربایجان، می‌توان انتظار داشت میزان فعالیت‌های اقتصادی - امنیتی تل‌آویو در این کشور افزایش یابد و میزان مبادلات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان در مقایسه با سرمایه‌گذاری‌های مشابه اسرائیل کاهش یابد. همچنین به دلیل تحدید نفوذ سیاسی - اقتصادی ایران در آذربایجان در نتیجه حضور اسرائیل، منافع و امنیت ملی کشورمان بر اثر تهدیدهای فزاینده، به چالش کشیده شود و به نوعی سبب تضعیف امنیت ملی ایران و تحدید تحرک منطقه‌ای ایران گردد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل، جمهوری آذربایجان، انرژی، خطوط لوله

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی mohsen132089@yahoo.com

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و محقق مسائل خاورمیانه nazarpoord@yahoo.com

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال چهاردهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۴۹-۷۴

تحولات ربع قرن اخیر نشان می‌دهند که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، خلاء ژئوپلیتیک قابل توجهی را در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی که یک منطقه حائل مهم میان چین، دنیای اسلام و اروپا محسوب می‌شود، ایجاد کرد. هجوم سیاسی کشورهای غربی به این منطقه آنچنان گسترده بود که تحلیل‌گران در توصیف آن عنوان «بازی بزرگ» را مطرح کردند. در این میان، رژیم صهیونیستی اسرائیل یکی از بازیگرانی محسوب می‌شد که به‌منظور گسترش نفوذ خود در منطقه، فعالانه در جست‌وجوی دوستان جدید بود و جمهوری آذربایجان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک‌اش مورد توجه آن قرار گرفت. جمهوری آذربایجان را می‌توان به‌عنوان یک کشور واجد ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، راهبردی و فرهنگی برای کشورهای پیرامون آن و همچنین نظام‌های سیاسی فرامنطقه‌ای دانست. حضور قدرتهایی همانند ایران-اسرائیل و ایران-ایالات متحده در جمهوری آذربایجان و نفوذ هر یک از آنها در باکو را باید به منزله کاهش و یا تضعیف نفوذ دیگر کشورهای رقیب و دشمن قلمداد کرد که به تبع آن پیامدهای امنیتی خاصی را برای دو طرف به همراه خواهد داشت. این مساله از آن رو برای ایران حایز اهمیت است که جمهوری آذربایجان در محیط امنیتی تهران قرار داشته و تحولات آن تأثیرات مستقیمی بر امنیت و منافع ملی ایران دارد. از این رو، حضور رژیم‌هایی نظیر اسرائیل در این منطقه به‌خودی خود برای تهران حساسیت‌برانگیز بوده و نگرانی‌های امنیتی را در پی خواهد داشت. به دیگر سخن، اسرائیل نیز همانند آمریکا خواهان تخلیه ایران از ظرفیت‌های راهبردی خود می‌باشد. مقامات آمریکایی بر این باورند که تبدیل ایران به قطب راهبردی و ترانزیتی خاورمیانه به زیان واشنگتن خواهد بود.<sup>۱</sup> حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که منابع هیدروکربنی چه تاثیری در حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان داشته است؟ و این حضور چه چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران رقم زده است؟ پاسخی را که می‌توان به سؤالات فوق داد، این است که به‌نظر می‌رسد، حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان و نزدیکی آن به ایران سبب تضعیف قدرت اقتصادی ایران در جمهوری آذربایجان و تنگ‌تر شدن حوزه نفوذ تهران گردیده و همچنین این حضور در جهت استفاده از ظرفیت‌های نفتی منطقه طرح‌ریزی شده است.

این نوشتار درصدد تبیین رابطه علی بین دو دسته از متغیرهای مستقل (تاثیر انرژی بر حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان) و وابسته (امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران) می‌باشد، از قبیل تحقیقات همبستگی بوده که به تبیین رابطه بین دو یا چند متغیر به صورت تحلیلی - توصیفی می‌پردازد.

### نکته‌های مفهومی بحث

۵۱

به گفته محققان سرشناس امنیت، امنیت ملی مقوله‌ای چندبعدی، به هم پیوسته و منسجم است که تهدید، تضعیف و یا تقویت و ارتقاء هر بعد آن، در ابعاد دیگر آن نیز بازتاب می‌یابد و در مجموع کلیت امنیت ملی کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد، از این رو تهدیدهای وارده بر هر بعد امنیت ملی به هر میزان، عواقب و پیامدهایی جز تضعیف امنیت ملی یک کشور را نخواهد داشت. براساس این بنیان نظری، بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دو آنها به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا اینکه حل‌وفصل شود.»<sup>۲</sup> نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در مسیر تحولات علمی و واقعیات امنیتی دهه ۱۹۹۰ دچار تحول گردید؛ بدین ترتیب که برخلاف طرح این نظریه بر پایه دو مولفه سیاسی و نظامی در ۱۹۹۱ از سوی بوزان، در کتاب مشترک بوزان، و دی وایلد ویور با عنوان *امنیت؛ چارچوبی جدید برای تحلیل*<sup>(۱)</sup> که در ۱۹۹۸ به رشته تحریر درآمد، پنج مولفه نظامی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت تا کتاب از قابلیت بیشتری برای تبیین تحولات امنیتی جهان پس از جنگ سرد برخوردار گردد. در این راستا، به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت یعنی امنیت اقتصادی خواهیم پرداخت. امنیت اقتصادی به عبارتی، میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق کالا و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی است، به‌گونه‌ای که

#### 1. Security: A New Framework for Analysis

منافع و امنیت ملی واحد سیاسی ارتقای موثر یابد.<sup>۳</sup> امنیت در این بعد به مسایلی چون میزان دسترسی به منابع، بازارها و کالاهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبول از رفاه و قدرت دولت دلالت دارد، به گونه‌ای که تضمین‌کننده کارکردهای اساسی دولت باشد.<sup>۴</sup> از این رو هر عاملی و به هر میزانی در راه کارکردهای دولت بر پایه مسائل اقتصادی مانع و یا اختلال ایجاد کند و شرایط را برای آن نامساعد سازد، به همان میزان آن کشور از دستیابی به منافع و تحقق کارکردهایش بازمانده است. این به منزله وجود تهدیدی به همان میزان موثر است. در این راستا نگرش اقتصادی اسرائیل ناشی از ساختار عقب‌مانده اقتصادی منطقه و اقتصاد پیشرفته‌تر اسرائیل در منطقه ارزیابی می‌شود. در واقع بحث «خاورمیانه جدید» که شیمون پرز طراح آن می‌باشد، نگاهی اقتصادی به منطقه با محوریت اسرائیل است که به نوعی هدف هویت‌زایی را از این منطقه که به نفع اسرائیل است، تعقیب می‌کند.

اسرائیل برای حضور در این منطقه به دلیل نداشتن وجوه مشترک با منطقه، از شیوه‌های اقتصادی در ظاهر ولی در باطن از اهداف سیاسی پیروی می‌کند در این رابطه، تل‌آویو از سیاست خارجی خاصی تبعیت می‌کند که می‌توان آن را رهنامه جدید خاورمیانه نامید که به نوعی حالت به‌روز شده رهنامه پیرامون می‌باشد. بر اساس رهنامه خاورمیانه جدید، مشکل منطقه خاورمیانه را فقط یک کشور به تنهایی و یا حتی به صورت دوجانبه و چندجانبه نمی‌تواند حل کند. در واقع کلید تحقق صلح و امنیت منطقه‌ای در گرو ترویج دموکراسی و توسعه اقتصادی است، که این امر مبتنی بر همکاری اقتصادی و تفاهم مستمر سیاسی تا زمان تحقق ثبات می‌باشد. این طرح نشان‌دهنده نگرانی‌ها و منافع اسرائیل است؛ زیرا همکاری اقتصادی برای اسرائیل با توجه به انزوای منطقه‌ای آن و تفاهم سیاسی به لحاظ تهدیدهایی که از جوانب گوناگون متوجه این رژیم است، می‌تواند آن را در رسیدن به امنیت اقتصادی و سیاسی یاری رساند، همکاری اقتصادی یکی از مبانی بسیار مهم در راهبرد اسرائیل محسوب شده است؛ چرا که اسرائیل اکیدا اعتقاد دارد بنیادگرایی اسلامی دقیقا از نقاطی امکان خیزش و رویش دارد که از نظر اقتصادی ضعیف و عقب‌مانده باشند.<sup>۵</sup>

پس از فروپاشی اتحاد شوروی تعداد بازیگران و مدعیان حقوقی این دریا افزایش ناگهانی یافتند. ورود سرمایه و فن‌آوری خارجی با هدف اکتشاف و استخراج منابع نفتی و گازی

دریای خزر زمینه‌ساز نفوذ اقتصادی و سیاسی قدرت‌های فرامنطقه‌ای از همه سو به این حوضه شد. به عبارت دیگر، تغییرات و دگرگونی‌های اقتصادی که هم‌زمان با کسب استقلال کشورهای حاشیه دریای خزر آغاز شد، دولت‌های محلی را ناگزیر کرد که منابع و مواد اولیه خود را هرچه سریع‌تر در بازارهای جهانی در معرض فروش قرار داده و از این طریق نیازهای ارزی خود را برای سامان بخشیدن به اقتصاد ملی برطرف کنند.<sup>۶</sup>

در سال‌های نخست پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری آذربایجان نیز مانند دیگر جمهوری‌های جدا شده از روسیه، دچار تنگناهای اقتصادی بود. تورم، بی‌کاری، به‌ویژه در مناطق روستایی و قرار داشتن حدود نیمی از جمعیت این کشور در زیر خط فقر و ضعف ساختارها و مدیریت‌های اقتصادی از جلوه‌های بارز آن بود.<sup>۷</sup> به همین دلیل، این کشورها آماده هرگونه حضور خارجی به شرط کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری بودند.

با توجه به چنین وضعیتی برای ایران و شرایط موجود منطقه‌ای در نظام آنارشیک دولت‌محور نظام بین‌الملل که مبتنی بر خودیاری کشورهاست، عرصه‌های بازیگری معطوف به منافع و امنیت ملی کشورها، به صحنه بازیگری خردمندانه (مبتنی بر هزینه - فایده) و بازی‌های مختلف برد - برد، باخت - باخت و برد - باخت تبدیل می‌کند. اهمیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک قفقاز جنوبی و به‌طور اخص کشور آذربایجان برای ایران و اسرائیل در واقع محلی برای صورت گرفتن یک بازی برد یا باخت است. بنابراین، تهدیدهای امنیتی موجود در منطقه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و در ابعاد مختلف بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. بنابراین شناخت این تهدیدها و کیفیت و کمیت آن ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی است.<sup>۸</sup> روابط خاص جمهوری اسلامی ایران با برخی از بازیگران فرامنطقه‌ای که در حال افزایش نفوذ و قدرت خود در میان کشورهای منطقه قفقاز به‌خصوص جمهوری آذربایجان بودند؛ نظیر اسرائیل، با توجه به سابقه روابط طرفین پس از انقلاب اسلامی، بازی قدرت و نفوذ هر دو را رقم می‌زند. بنابراین، حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان و گسترش نفوذ آن در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی منطقه که در طی دو دهه اخیر تشدید شده است، تأثیر بسزایی بر تهدیدها و فرصت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه دارد. نگاهی به مقوله امنیت ملی

این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان تحلیلی درست و واقع‌بینانه از چنین تهدیدهایی به‌دست داد. این مساله به‌ویژه با الگوی دوستی و دشمنی میان ایران و رژیم صهیونیستی و سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده و اسرائیل در قبال ایران حایز اهمیت اساسی است.

### ویژگی‌های اقتصادی جمهوری آذربایجان

حوزه نفت و گاز دریای خزر یکی از حوزه‌های مهم نفت و گاز جهان به‌شمار می‌رود. دریای خزر از نظر میزان ذخایر دریایی پس از خلیج فارس و سیبری قرار می‌گیرد و داری چهار تا شش درصد از ذخایر نفت جهان و بین شش تا ۱۰ درصد از ذخایر گاز است. در این میان، قزاقستان حدود ۵۵ درصد از کل تولید نفت دریای خزر را تا چند سال آینده پس از بهره‌برداری از حوزه کاشغان در اختیار خواهد داشت و روسیه و ترکمنستان نیز ۶/۵ درصد از تولید نفت را به‌خود اختصاص خواهند داد.<sup>۹</sup>

جمهوری آذربایجان کشوری است برخوردار از منابع نفت و کل ذخایر نفتی این جمهوری حداقل ۳۳ میلیارد بشکه پیش‌بینی می‌شود. از نظر میزان ذخایر گازی نیز این کشور تا ۲۰۰۲، حدود دو تریلیون مترمکعب بوده است. نفت، ۸۳ درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد که ۶۰ درصد آن به اتحادیه اروپا صادر می‌شود. پس از آن، ماشین‌آلات و تجهیزات، پنبه، مواد غذایی، مواد شیمیایی و محصولات پتروشیمی از مهم‌ترین منابع درآمدزای این کشور محسوب می‌شوند.<sup>۱۰</sup> تولید نفت جمهوری آذربایجان در ۲۰۰۸ نیز افزایش یافت و به حدود ۹۱۴ هزار بشکه در روز رسید که ۸۴۳ هزار بشکه آن را روزانه صادر می‌کرد.<sup>۱۱</sup> این در حالی است که براساس اطلاعات انرژی آمریکا با تکمیل فاز سه میدان آذری - چراغ - گونشلی و اضافه شدن سکوی حفاری آب‌های عمیق گونشلی به آن، تولید نفت جمهوری آذربایجان در پایان ۲۰۱۰ به ۱/۳ میلیون بشکه در روز رسید.<sup>۱۲</sup> بر این اساس سهم جمهوری آذربایجان در دریای خزر ۳۲ درصد از کل تولیدات این دریاست. میزان ذخایر گاز طبیعی این کشور نیز از ۷۰۰ میلیارد تا دو تریلیون مترمکعب برآورده شده است که بیشترین مقدار آن در حوزه گازی «شاه‌دنیز» - مهم‌ترین حوزه گاز طبیعی این کشور - قرار دارد.<sup>۱۳</sup>

جمهوری آذربایجان در مقایسه با جمهوری‌های تازه‌استقلال یافته اطراف خود در اثر بهره‌برداری از منابع نفتی در ۲۰۱۱، حدود یک درصد از ذخایر اثبات‌شده جهان را در اختیار داشت و در حال حاضر در منطقه، صادرکننده محصولات گازی محسوب می‌شود.<sup>۱۴</sup> خطوط لوله انتقال نفت باکو - باتومی به طول ۸۶۷ کیلومتر در سال ۱۸۹۶ احداث و در ۱۹۰۷ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. طول خطوط لوله در اراضی آذربایجان ۴۲۵ کیلومتر است. این شبکه در نزدیکی آقا ستفا به دو قسمت منشعب می‌شود. یک شاخه به طول ۱۰۷ کیلومتر به تفلیس و شاخه‌ای دیگر به طول ۱۷۰ کیلومتر به ایروان می‌رود. قطر این لوله ۷۰۰ میلیمتر است.<sup>۱۵</sup>

وجود چنین ذخایر انرژی در حوزه‌های نفت و گاز جمهوری آذربایجان، باعث شده است کشورهای نیازمند و مصرف‌کنندگان بالای نفت و گاز، توجه ویژه‌ای به این کشور کرده و برای بهره‌مندی از این ذخایر، اهمیت زیادی برای روابط خود با باکو قائل شوند. در کنار این امر، تمایل و اشتیاق جمهوری آذربایجان که میزان تولید آن بسیار فراتر از مصارف داخلی این کشور است، سبب شده راه را برای حضور کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی باز کنند.<sup>۱۶</sup>

سرمایه‌گذاری پس از استقلال توسعه بیشتری پیدا کرده است. با وجود این، بعد از استقلال این کشور، تورم فزاینده ناشی از آثار جنگ قره‌باغ همراه با سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی‌سازی اقتصاد، موجب شد مردم جمهوری آذربایجان تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار گیرند و قدرت خرید آنها به سرعت کاهش یابد. ولی از ۱۹۹۶ میلادی، افزایش درآمدهای حاصل از قراردادهای نفتی بین‌المللی، روند رو به رشد سرمایه‌گذاری خارجی، اعتبارات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و مساعدت کشورهای اروپایی، موجب شد اقتصاد نابسامان این کشور کمی رو به بهبود گذارد. در ۲۰۰۷ از تعداد کل شاغلان در بخش اقتصادی، ۷۰ درصد در بخش خصوصی مشغول به کار بودند و تعداد بیکاران ۲۸۱ هزار نفر بود.

### اهداف رژیم صهیونیستی از گسترش روابط با جمهوری آذربایجان

راهبرد رژیم صهیونیستی در توسعه روابط با کشورهای منطقه و به‌خصوص جمهوری

آذربایجان را می‌توان در قالب سیاست‌های کلی این رژیم از ابتدای شکل‌گیری تاکنون تعریف کرد. در بیان ساده این سیاست می‌توان نظر «بن‌گورین» اولین رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی را مطرح کرد. وی براساس «اتحاد پیرامونی» معتقد بود که سیاست خارجی رژیم صهیونیستی باید متکی بر کشورهای پیرامونی و غیرعرب باشد؛ زیرا رژیم صهیونیستی به این سبب که در محاصره کشورهای عرب متخاصم قرار دارد، امکان توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با همسایگان خود را ندارد و لذا باید با کشورهای پیرامون مرتبط شود. در نتیجه، این رژیم جهت رهایی از محاصره و انزوای تحمیل شده از سوی اعراب در دهه ۱۹۵۰، مقدمات شکل‌گیری یک اتحاد با کشورهای پیرامونی غیرعرب نظیر ترکیه، ایران و اتیوپی را پی‌ریزی کرد و در جهت گسترش روابط با این کشورها گام برداشت. این سیاست با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ میلادی با شکست و تزلزل روبه‌رو شد و متوقف گشت. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت نوینی را پیش روی مقامات سیاسی رژیم صهیونیستی نهاد تا با حضور و ایجاد ارتباط در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی در منطقه قفقاز به‌ویژه در جمهوری آذربایجان، سیاست توسعه روابط با کشورهای پیرامونی را در پیش بگیرد.<sup>۱۷</sup>

### نقش انرژی در توسعه روابط میان جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی

از ابعاد دیگر مناسبات میان اسرائیل و آذربایجان موضوع اقتصاد است. نفت، بازارهای فروش کشاورزی، صنعت و بخش‌های مختلف اقتصادی مورد علاقه طرف‌های رابطه می‌باشد. در این زمینه، بخش نفت در آذربایجان اهمیت شایان توجه دارد. به‌طوری که دریای خزر با داشتن ذخایر عظیم نفت که تا ۲۰۰ میلیارد بشکه برآورد می‌شود، دومین نقطه مهم نفتی پس از خلیج فارس است. چگونه می‌توان بچه‌گولی به‌نام اسرائیل را از این فرصت غنی و ارزشمند معذور داشت؟! اینبرگر، وزیر دفاع اسبق آمریکا، در این خصوص می‌گوید: «نفوذ در منطقه خزر برای آمریکا و غرب از گسترش پیمان «ناتو» به شرق مهم‌تر است و اهمیت ذخایر نفتی آن از تسلط کامل اسرائیل بر فلسطین کم‌اهمیت‌تر نیست.»<sup>۱۸</sup>

البته طرف آذربایجانی نیز تمایل به گسترش این نوع روابط نیز داشته است، چنان‌که حیدر

علی‌اف رییس‌جمهور آذربایجان در اوت ۱۹۹۷، در دیدار با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، اظهار داشت: «جمهوری آذربایجان به دنبال کمک‌های تکنولوژیک و تخصص‌های فنی اسرائیل است و سعی دارد منبع تامین نفت اسرائیل باشد.» در این دیدار همچنین نخست‌وزیر اسرائیل اذعان داشت که توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان آذربایجان، اسرائیل و ترکیه راهی جهت مقابله با همکاری‌های ایران، روسیه و ارمنستان است و تاکید کرد که در صورت حیاتی اسرائیل است که امروز آذربایجان را در کنار خود داشته باشد و این مساله فراتر از دغدغه‌های سطحی در مناسبات سیاسی و اقتصادی است.<sup>۱۹</sup> در واقع رژیم اسرائیل از طریق تاکید بر اولویت نیازهای فوری اقتصادی آذربایجان، سرمایه‌گذاری‌های وسیعی به‌ویژه در حوزه انرژی، کشاورزی، پرورش ماهی، گردشگری و تجارت کالا با آذربایجان داشته است. گستره روابط اقتصادی دو کشور به‌گونه‌ای بوده که در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ از دهمین شریک تجاری بزرگ آذربایجان به پنجمین شریک تجاری آن تبدیل شده و در ۲۰۰۶ نیز دومین شریک صادراتی آذربایجان و در ۲۰۰۸ سومین شریک عمده اقتصادی آن بوده است. علاوه بر این بر اساس آمار رسمی ۲۰۰۸، صادرات رژیم صهیونیستی به آذربایجان ۱۲۹/۴ میلیون دلار بوده است.<sup>۲۰</sup>

اصل سوم در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، مبنای نزدیکی و یا دوری کشورها و اولویت‌بندی آنها در روابط خارجی است. البته حجم و تنوع این روابط به‌ویژه در بخش‌های زیربنایی به حدی است که تزریق سرمایه‌های محدود و انتقال دانش و تجربه‌های صنعتی متوسط در کوتاه‌مدت، نمی‌تواند مشکلات بسیار این کشور را مرتفع کند. از این‌رو مقامات جمهوری آذربایجان با اطلاع از این مهم، عمق راهبردی روابط صنعتی و اقتصادی خود را با قدرت‌های برتر منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه قدرت‌های غربی و رژیم صهیونیستی تعریف کرده‌اند.<sup>۲۱</sup> در همین راستا همکاری‌های اقتصادی بین رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان به‌طور قابل ملاحظه‌ای، افزایش می‌یابد.<sup>۲۲</sup> آمارها نیز گسترش سریع روابط میان دو کشور در بعد اقتصادی را نشان می‌دهد. بر اساس آمار سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۰ رژیم صهیونیستی از رتبه دهم در روابط تجاری با جمهوری آذربایجان به رتبه تجاری پنجم ارتقا یافته است.

بیشترین حجم روابط تجاری میان باکو و تل‌آویو مربوط به فعالیت‌های اقتصادی در زمینه

انرژی است. به همین منظور رژیم صهیونیستی، دومین منطقه واردکننده نفت از جمهوری آذربایجان است. مقامات باکو با اطلاع از حساسیت موضوع، تلاش می‌کنند در قالب مزایده‌ها و مناقصه‌های بین‌المللی در خصوص انجام این سرمایه‌گذاری‌ها، رقابت‌های حساب شده‌ای را میان قدرت‌های بین‌المللی و منطقه دامن زده و از این طریق جایگاه سیاسی و منطقه‌ای و موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خود را در قفقاز و در مجاورت دریای خزر ارتقاء دهند.<sup>۲۳</sup>

در این راستا تل‌آویو به دلیل داشتن علاقه به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی جمهوری آذربایجان و با توجه به نیاز این کشور به منابع نفت و گاز، می‌تواند به برآورده شدن اهداف باکو کمک کند. همچنین این رژیم به دلیل محاصره اقتصادی و سیاسی از سوی کشورهای عرب از نظر ارتباطات منطقه‌ای و برآوردن نیازهای سوختی خود در تنگنا قرار دارد و تنها از طریق مصر و نیجریه می‌تواند نفت مورد نیاز صنایع رو به رشد و توسعه خود را تهیه کند. این امر، علاوه بر ایجاد نوعی وابستگی به آن کشورها از نظر هزینه‌ها، فشار مضاعفی بر اقتصاد اسرائیل تحمیل می‌کند. از این رو یکی از اهداف رژیم صهیونیستی، تامین بخشی از نیازهای راهبردی خود یعنی نفت مورد نیاز از حوزه دریای خزر و جمهوری آذربایجان است که در این زمینه از حمایت ایالات متحده و ترکیه (کشور ترانزیت‌کننده نفت) برخوردار است.<sup>۲۴</sup>

در حوزه انرژی، شرکت اسرائیلی «سونول» از پرنفوذترین شرکت‌های استخراج نفت در آذربایجان است. همچنین اسرائیل با مشارکت در قرارداد تامین امنیت خط لوله باکو - جیحان و اعطای سالانه ۲۴ میلیون دلار به آذربایجان و گرجستان در راستای انتقال انرژی به دریای مدیترانه، هم‌اکنون ۳۰ درصد از نیاز نفتی خود را از این طریق تامین می‌کند. علاوه بر این، اسرائیل به دنبال ایجاد یک خط لوله اضافی از جیحان ترکیه و از طریق زیر دریا به اسرائیل است تا از این طریق نفوذ روسیه و ایران در منطقه و وابستگی خود را به کشورهای عربی کاهش دهد.<sup>۲۵</sup> این مساله نشان‌دهنده اهمیت این منطقه برای اسرائیل می‌باشد که بخشی از نیازهای انرژی خود را از مسیر مطمئن تامین می‌کند. حضور اسرائیل در اقتصاد آذربایجان عمدتاً در حوزه‌های سرمایه‌گذاری مالی، بخش کشاورزی و دامداری و نیز تاحدودی بخش صنعتی آن کشور است.<sup>۲۶</sup>

البته یکی دیگر از کشورهایی که از این طریق منافع هنگفتی به دست می آورد، ترکیه است. این کشور با توجه به نیازهای خود در زمینه انرژی و همچنین منافی که از انتقال منابع انرژی این کشورها به دست می آورد، در جهت همسویی با آمریکا و رژیم صهیونیستی پیش رفته است. به همین منظور، دو کشور ترکیه و آمریکا به همراه رژیم صهیونیستی با همکاری و برنامه ریزی مشترک، تلاش کردند رقبای سرسخت خود همچون روسیه، ایران و چین را کنار بزنند و یا حداقل سهم بیشتری نصیب خود سازند. ترکیه که تا این زمان هیچ وقت نسبت به حمایت از تل آویو تردیدی به خود راه نداده بود و از این لحاظ کاملاً با آمریکا همراه بود،<sup>۲۷</sup> تلاش کرد تا موافقت سایر کشورها را به منظور ایجاد مسیرهای شرق به غرب و به ویژه احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان به دست آورد؛ البته در این راه نیز موفق بود. تا آنجا که یکی از منتقدان آمریکایی پروژه باکو - تفلیس - جیحان، تصدیق می کند که روابط رژیم صهیونیستی، ترکیه و آمریکا عامل اصلی برای انتخاب خط لوله باکو - تفلیس - جیحان است که برای انتقال نفت حوزه دریای خزر به طور مستقیم به طرف غرب کشیده شده است و می تواند با هدف برطرف کردن نیازهای انرژی اسرائیل نیز توسعه داده شود.<sup>۲۸</sup>

بدین ترتیب با حمایت های مالی و سیاسی ایالات متحده و ترکیه و رژیم صهیونیستی، سران جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه، ترکمنستان و قزاقستان با حضور بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت آمریکا، در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۹ در حاشیه نشست استانبول سازمان امنیت و همکاری اروپا قرارداد احداث خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان و انتقال گاز «ترانس خزر» را امضا کردند.<sup>۲۹</sup> هدف از احداث این خط لوله سیاسی حذف مزیت ژئوپلیتیکی ایران در زمینه انتقال انرژی قفقاز و فشار بر تهران برای تغییر مواضع هسته ای خود می باشد.<sup>۳۰</sup> به دنبال آن، در همین مقطع زمانی احداث خط لوله ناباکو مطرح می شود. این خط لوله به همکاری کشورهای ترکیه، اتریش، رومانی، مجارستان و بلغارستان، گاز حوزه دریای خزر را به میزان سالانه ۲۵ تا ۳۰ میلیارد مترمکعب به بازارهای گاز اروپا انتقال می دهد.<sup>۳۱</sup>

بدین ترتیب، پروژه هایی مثل خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان، باکو - تفلیس - ارزروم و خط لوله ناباکو و سایر پروژه های این مسیر، جزو کریدور انرژی غرب به شرق می باشند و با

احداث این کریدور استفاده از مزایای منابع انرژی دریای خزر و جمهوری آذربایجان برای کشورهای غربی و همچنین ترکیه و رژیم صهیونیستی فراهم می‌شود.<sup>۳۲</sup>

از طرفی با توجه به اینکه ترکیه و اسرائیل هر دو به منابع نفتی دسترسی ندارند، نفت یکی از عواملی است که سیاست‌های آنکارا - باکو را زیر چتر حمایتی آمریکا در این منطقه هم‌سو می‌سازد، آنها به هر وسیله‌ای می‌خواهند که منابع حاصل از استخراج و انتقال انرژی این منطقه را نصیب خود کنند.<sup>۳۳</sup> با توجه به مسیرهای این خطوط لوله، سیاست‌گذاران رژیم صهیونیستی از مدت‌ها قبل به ارزش ساخت این خطوط لوله آگاه بودند. به همین منظور این کشورها هم از نظر مالی و هم از لحاظ سیاسی به پروژه باکو - تفلیس - جیحان کمک‌های شایانی کردند.<sup>۳۴</sup>

در همین راستا نیاز تل‌آویو به منابع نفتی جمهوری آذربایجان و منطقه دریای خزر، تغییر محسوسی در اعمال عرضه نفت این منطقه به رژیم صهیونیستی و همچنین از این طریق به شرق آسیا فراهم آورده است که این امر منافع بازرگانی بسزایی را برای اسرائیل و همچنین جمهوری آذربایجان در این خط لوله ایجاد می‌کند. از طرفی دولت‌مردان باکو در این فکر هستند که با این خط لوله دسترسی تل‌آویو به منابع نفتی را تضمین کنند؛ زیرا این خط لوله می‌تواند برای رژیم صهیونیستی نقش حیاتی بازی کند.<sup>۳۵</sup> آراز عظیم اف، معاون وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان، در مورد حمل نفت از طریق این خط لوله به رژیم صهیونیستی اظهار داشت: «این خط لوله یک مسیر مدیترانه‌ای است که وارد بندر جیحان می‌شود و خرید نفت از این منطقه نسبت به نفت منطقه خلیج فارس از اهمیت و مزایای بیشتری برای مصرف‌کنندگان برخوردار خواهد بود.»<sup>۳۶</sup> بدین ترتیب به لحاظ راهبردی، رژیم صهیونیستی دلایل کاملاً مشخصی برای اظهار علاقه‌مندی به نفت جمهوری آذربایجان دارد. حتی علاقه‌مندی تل‌آویو به نفت جمهوری آذربایجان در افتتاح نمایشگاه نفت و گاز در ژوئن ۲۰۰۷ در باکو قابل مشاهده است؛ آرتور لینک، سفیر رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، که در این نمایشگاه شرکت کرده بود، با اشاره به همکاری‌های مداوم طرفین در بخش نفت و گاز به این نکته اشاره می‌کند که اسرائیل حتی تا زمانی که پروژه باکو - تفلیس - جیحان افتتاح نشده بود، یک مشتری کلیدی برای نفت جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رفت و هم‌اکنون با توجه به افتتاح این خط لوله و با

توجه به مجاورت بندر جیحان ترکیه با رژیم صهیونیستی، یک فرصت جدید برای همکاری‌های بیشتر در این بخش از اقتصاد فراهم شده است. همکاری در این بخش، زمینه‌های جدیدی برای همکاری و منافع متقابل بیشتر برای طرفین ایجاد می‌کند. همچنین وی به‌ویژه تأکید می‌کند که به‌واسطه ایجاد خط لوله «اشکون - ایلات» رژیم صهیونیستی می‌تواند یک همکار راهبردی برای رساندن نفت حوزه دریای خزر به بازارهای آسیای شرقی باشد که این موضوع با وجود خطوط لوله گاز محور شرق به غرب همانند باکو - تفلیس - ارزروم و همچنین ناباکو دور از دسترس برای اسرائیل نیست.<sup>۳۷</sup>

۶۱

به‌منظور دستیابی به اهداف فوق است که تل‌آویو فعالیت‌های خود را در این زمینه با جدیت ادامه می‌دهد. از طرفی، ترکیه و رژیم صهیونیستی طرح احداث خط لوله نفت و گاز سواحل دریای مدیترانه در ترکیه تا اسرائیل را آغاز کرده‌اند تا بدین وسیله نفت و گاز جمهوری آذربایجان و حوزه دریای خزر و همچنین گاز روسیه را به رژیم صهیونیستی انتقال دهند. حلمی گولر، وزیر نیرو و منابع طبیعی ترکیه، در این خصوص اظهار می‌دارد که آنکارا می‌تواند هم مصرف‌کننده و هم به‌عنوان پلی برای انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر و همچنین گاز روسیه باشد.<sup>۳۸</sup>

بدین ترتیب با تکمیل این خطوط، رژیم صهیونیستی علاوه بر اینکه مشتری دایمی نفت جمهوری آذربایجان خواهد بود، بر انتقال گاز از این کشور نیز نظر خواهد داشت؛ به‌ویژه بعد از کشف گاز طبیعی در میدان «شاه‌دیز»، مقامات تل‌آویو بر خرید گاز این کشور تأکید زیادی دارند. اسرائیل به ۱/۷ میلیارد مترمکعب گاز وارداتی نیاز دارد که امکان تأمین بخشی از آن از طریق جمهوری آذربایجان وجود دارد و در این راستا رژیم صهیونیستی سعی دارد از وابستگی خود به گاز روسیه نیز بکاهد.<sup>۳۹</sup> در حال حاضر اسرائیل حدود ۴۰ درصد از نفت خود را از جمهوری آذربایجان و خط لوله باکو - تفلیس - جیحان به‌دست می‌آورد.<sup>۴۰</sup> برای همین انتظار می‌رود که همکاری‌های آنان به‌ویژه در بخش نفت و گاز گسترش یابد.

این در حالی است که روابط اقتصادی تهران - باکو در طی این سال‌ها به‌تبع روابط سیاسی دارای نوسان بوده است. چنان‌که به‌عنوان نمونه، آذربایجان در صادرات ایران در ۱۳۷۵، رتبه چهارم را داشته اما در ۱۳۷۸ به جایگاه هفتم تنزل پیدا کرده است. دلیل عمده این فراز و

نشیب‌های تجاری، مسائل سیاسی - امنیتی و دخالت آمریکا، اسرائیل و قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ترکیه در روند روابط تهران - باکو بوده است.<sup>۴۱</sup> به‌طور کلی روابط ایران و جمهوری آذربایجان تحت تاثیر عوامل هم‌گرایانه‌ای همانند: برخورداری از دین و مذهب مشترک، اشتراکات تاریخی و فرهنگی، وجود ظرفیت مناسب همکاری دریای خزر، بحران ناگورنو قره باغ (به‌واسطه احتمال تحریک احساسات آذری‌های ایران و تقویت احساس همبستگی و تعلق بین جمعیت دو سوی مرز)، و سیاست‌های نفتی جمهوری آذربایجان (بهره‌برداری از منابع دریای خزر، پیش از تعیین رژیم حقوقی آن، کشاندن شرکت‌های نفتی غربی و آمریکایی به منطقه، حمایت از انتقال نفت از طریق خط لوله باکو - تفلیس - جیحان) و مساله ملی‌گرایان و تحریک‌گرایش‌های جدایی‌طلبانه و توسعه روابط آذربایجان با اسرائیل به‌عنوان عواملی واگرا بوده است.<sup>۴۲</sup>

### بررسی تاثیرات نفوذ اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر جمهوری اسلامی ایران

راهبرد ائتلاف غرب و رژیم صهیونیستی در آذربایجان، راهبرد «همه چیز بدون ایران و علیه ایران» است و بر این اساس تلاش دارند با طرح مسائلی واهی نظیر حمایت ایران از بنیادگرایی اسلامی، و تحریکات تروریستی، ذهنیت امنیتی را برای نخبگان سیاسی - راهبردی کشورهای قفقاز به‌وجود آورند؛ به این معنی که ایران به‌دنبال تغییر وضع موجود و برهم زدن ثبات داخلی کشورهای قفقاز است. البته در این رابطه به‌نظر می‌رسد بزرگ‌نمایی تهدید بنیادگرایی اسلامی در آذربایجان به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در جهت جلب نظر و حمایت آمریکا قرار گرفته است.<sup>۴۳</sup> رهنامه دفاعی اسرائیل نیز بر این فرض استوار است که هیچ دشمنی نباید توانایی تهدید موجودیت اسرائیل را بدون تحمل مجازات داشته باشد و همه نوع اقدامات برای خنثی کردن چنین تهدیداتی باید از سوی تل‌آویو انجام شود.<sup>۴۴</sup>

در این راستا تل‌آویو به تبعیت از سیاست‌گذاری کلان راهبردی - امنیتی ایالات متحده یعنی «سیاست دست‌های کوتاه» در مورد ایران می‌کوشد تا نفوذ جمهوری اسلامی ایران را هم از منظر سخت‌افزاری مانند نظامی و امنیتی و هم نرم‌افزاری همچون اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به حداقل برساند. توجه به سیاست‌های اتکای به قدرت هژمون از سوی کشورهای قفقاز، این

احتمال امنیتی - سیاسی وجود دارد که با حضور هرچه بیشتر اسرائیل در آذربایجان، زمینه مساعدتری برای تحدید نفوذ جمهوری اسلامی در این کشور و در نتیجه کاهش امنیت و منافع ملی ایران فراهم آید. از سوی دیگر حضور امنیتی - سیاسی اسرائیل در آذربایجان موجب گردیده است با ارتقای همکاری‌های امنیتی - نظامی و ارایه کمک‌های مالی، نفوذ در احزاب و نخبگان سیاسی، طیفی از نخبگان سیاسی واگرا با جمهوری اسلامی ایران مجال مناسبی برای کسب قدرت و اعمال سیاست‌گذاری‌های امنیتی - راهبردی واگرا با جمهوری اسلامی ایران بیابند. در واقع نخبگان کشور آذربایجان به دلیل تهدیدی که از ناحیه مخالفان داخلی و خارجی خود احساس می‌کنند، سعی در نزدیکی بیشتر به آمریکا توسط اسرائیل را دارند.<sup>۴۵</sup>

رژیم صهیونیستی با جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق روابط نظامی، امنیتی و اطلاعاتی را توسعه داده، در آسیای مرکزی شریک و همتای مشتاقی چون «ازبکستان» پیدا کرده، در قفقاز نزدیک‌ترین روابط نظامی و امنیتی را با آذربایجان داشته و ثابت کرده است که در جنگ خونین «قره‌باغ»، اسرائیل به آذربایجان تسلیحات می‌فروخته است.<sup>۴۶</sup> این جنگ باعث شد که ارتباط با رژیم صهیونیستی قوی‌تر از ایران شود؛ زیرا اسرائیل یک شریک راهبردی و حامی آذربایجان در جنگ قره‌باغ بود. این جنگ منجر به فرار یک میلیون آذری از ارمنستان شد.<sup>۴۷</sup> توجه به سخنان الهام علی‌اف، رییس‌جمهور آذربایجان، که از طریق اسناد ویکیلیکس منتشر شده، ماهیت و ابعاد روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان را بهتر نشان می‌دهد. علی‌اف رابطه جمهوری آذربایجان و اسرائیل را مانند آیسبرگی (توده‌های عظیم یخی) می‌داند که فقط یک‌دهم آن قابل مشاهده است و نُه‌دهم آن به صورت پنهانی می‌باشد.<sup>۴۸</sup> از این‌روست که روند همکاری‌های رژیم صهیونیستی و آذربایجان در حوزه دفاعی و امنیتی طی سال‌های اخیر بسیار فراتر از اهداف اعلامی دولت آذربایجان برای برقراری موازنه دفاعی و امنیتی با ارمنستان بر سر مساله مورد مناقشه قره‌باغ است و آشکارا امنیت ملی و سرزمینی ایران را نشانه گرفته است.<sup>۴۹</sup>

نکته اساسی دیگر مساله مجاورت و نزدیکی مرزهای آذربایجان و اسرائیل و تاثیرات و پی‌آمدهای امنیتی آن است. جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی اگرچه هم‌مرز نیستند، اما در پرتو شرایط جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و به شیوه‌ای نیابتی، امکان نزدیکی

جغرافیایی می‌بایند. این نزدیکی جغرافیایی اگرچه با واسطه صورت می‌گیرد، اما نقشی اساسی در تشدید تهدیدها و امکان بهره‌برداری‌های ضدامنیتی از آن بسیار مقدور و ممکن است؛ از جمله:

یک. باعث تقویت حضور نیروهای ناتو در جمهوری آذربایجان می‌گردد: تقویت نیروهای ناتو در این منطقه در راستای سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحده و تامین منابع راهبردی این کشور است. این مساله با توجه به راهبرد نظامی - امنیتی ایالات متحده که جمهوری اسلامی را بزرگ‌ترین تهدید برای منافع خود می‌داند، بسیار قابل توجه می‌باشد.<sup>۵۰</sup> نظر به هم‌سویی و هم‌گرایی نزدیک راهبردی - امنیتی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، حضور اسرائیل و ناتو باعث تقویت حضور متقابل شده که با توجه به ناهم‌سویی کلی این کشورها و رژیم صهیونیستی با منافع جمهوری اسلامی ایران و تشدید نظامی‌گری در محیط امنیتی ایران، باعث کاهش اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در این منطقه می‌گردد.

دو. ایجاد پایگاه‌های استراق سمع در منطقه به‌خصوص در کشور آذربایجان: امروزه کشورها برای افزایش سطح اثرگذاری راهبردی - امنیتی در عرصه تعاملات بین‌المللی می‌کوشند تا ظرفیت اثرگذاری اطلاعاتی - امنیتی خود را نسبت به محیط امنیتی کشورهای واگرا و رقیب سیاست‌گذاری خود افزایش دهند. اتخاذ این سیاست با هدف افزایش نفوذ راهبردی - امنیتی و ارتقای منافع ملی صورت می‌گیرد.<sup>۵۱</sup> تاسیس پایگاه رادار و سیستم جاسوسی الکترونیکی استراق سمع در امتداد دریای خزر و نزدیک مرزهای ایران در این راستا می‌باشد.<sup>۵۲</sup> همچنین اقدام برای ایجاد پایگاه‌هایی برای انجام عملیات هوایی علیه ایران در آذربایجان، قرارداد امنیتی اسرائیل - گرجستان در خصوص مبارزه با تروریسم و حضور مأموران امنیتی تل‌آویو در دره پانکیسی، و در سطح نازل تر مذاکرات مقامات امنیتی - اطلاعاتی اسرائیل و ارمنستان که نمونه‌ای از تمایل همکاری‌های امنیتی - اطلاعاتی طرفین را نشان می‌دهد.<sup>۵۳</sup> همچنین تسلط اسرائیل بر یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین سیستم‌های ارتباطی آذربایجان یعنی «پراتور تلفن همراه» این کشور که توسط شرکت اسرائیلی «باکسل» اداره می‌شود، زمینه فعالیت این رژیم را آسان‌تر کرده است.<sup>۵۴</sup>

سه. افزایش حضور مستشاران نظامی رژیم صهیونیستی در آذربایجان: پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و پررنگ شدن بنیادگرایی اسلامی، همکاری‌های امنیتی میان سرویس‌های

امنیتی - نظامی تل‌آویو با کشور آذربایجان افزایش یافت. این ارتباطات با سفر غیررسمی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در ۱۹۹۷ به باکو، وارد فاز جدیدی در روابط طرفین شد، به‌طوری که تل‌آویو مشغول تجهیز و مدرنیزه کردن زیرساخت‌های نظامی و دفاعی (امور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) آذربایجان می‌باشد.<sup>۵۵</sup> به هر ترتیب حضور نظامی - امنیتی اسرائیل در آذربایجان با توجه به تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی و راهبردی می‌تواند به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه بینجامد که ضمن واگرایی سیاسی - امنیتی میان آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی پیرامونی ایران را ناامن و باعث به چالش کشیده شدن امنیت ملی آن می‌گردد.

**چهار. دامن زدن به بحران‌های قومی:** سیاست‌های حمایتی رژیم صهیونیستی از فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب در آذربایجان و گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با این کشور سبب فعال شدن گروه‌های جدایی‌طلب در ایران شده و توطئه جدایی را در منطقه دامن می‌زند.<sup>۵۶</sup> همچنین پیشنهاد تاسیس وزارت آذربایجان جنوبی در باکو که مورد اعتراض شدید وزارت خارجه ایران قرار گرفت، از جمله این اقدامات می‌باشد.<sup>۵۷</sup> اظهارات سفیر اسرائیل مبنی بر اینکه همسایگان خطرناک، تل‌آویو و باکو را متحدین طبیعی کرده است؛ کسانی که دوستان زیادی ندارند تمایل به پیدا کردن یکدیگر دارند<sup>۵۸</sup> مؤید این نکته است که نزدیکی آذربایجان و اسرائیل عمدتاً جهت‌گیری ضد ایرانی دارد که می‌توان حمایت‌های دولتی باکو و فعالیت‌های پشت پرده تل‌آویو را در حمایت از حرکت‌های تجزیه‌طلبانه و قوم‌گرایانه پیدا کرد. حرکت‌های قوم‌گرایانه در آذربایجان از دو بعد می‌تواند از نظر قومی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه کند. نخست اینکه، احیای تحركات قومی در منطقه و تلاش هریک از گروه‌های قومی برای تاسیس یک واحد مستقل سیاسی می‌تواند گروه‌های قومی در ایران را نیز تحریک به اقدامات مشابه کند.

پنج. در پس همه این اقدامات، روابط چندجانبه و گسترش آن از سوی اسرائیل به‌همراه کشورهایی همانند ایالات متحده و ناتو، می‌تواند از احتمال رخداد وضعیتی سخن گفت که طی آن این کشورها ساختار امنیتی مطلوب خویش را در منطقه پی‌ریزی و اجرا نمایند. ساختاری امنیتی که کشورهایی همانند جمهوری اسلامی ایران نتوانند نقش تعیین‌کننده که برآورنده امنیت و منافع ملی‌اش باشد، ایفا نماید.

بدین ترتیب، حضور رژیم صهیونیستی در آذربایجان به تقویت نخبگان واگرا با جمهوری اسلامی ایران می‌انجامد که پیامد طبیعی چنین امری کاهش نفوذ و اثرگذاری ایران در منطقه و در نتیجه تضعیف امنیت ملی آن خواهد بود. اظهارات وفاقلی اف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان، موید این مطلب است که نخبگان مخالف ایران در این منطقه از چه بینشی برخوردارند. وی در گفت‌وگوی با آژانس خبری یهود می‌گوید: «اگر اسرائیل کارخانه‌ای بسازد که به هزاران و یا حتی صدها نفر شغل بدهد، این یک برنامه خوب تبلیغاتی ضد ایرانی است.»<sup>۵۹</sup>

در واقع در پس این اظهارات این واقعیت نهفته است که همکاری‌های سیاسی-اقتصادی باکومتل آویو در خوش‌بینانه‌ترین حالت به کاهش جدی دامنه نفوذ و اثرگذاری ایران در آذربایجان و روند تحولات آن می‌انجامد. بدین ترتیب با گسترش فعالیت‌های اسرائیل به‌رغم همه اشتراکات زبانی، فرهنگی، دینی، جغرافیایی و تاریخی ایران با جمهوری آذربایجان، این فرصت‌ها بی‌اثر شده و به تهدیدهای جدی نیز تبدیل می‌شوند. حمایت اسرائیل و ایالات متحده از انقلاب مخملی گرجستان که منجر به روی کار آمدن میخائیل ساکاشویلی غرب‌گرا در گرجستان شد، نمونه‌ای دیگر از حمایت از غرب‌گرایانی بود که تمایل چندانی به توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران نداشتند؛ چرا که اصولاً این غرب‌گرایان درصدد پیوستن به ناتو و ایجاد هم‌پیمانی گسترده با ایالات متحده و افزایش چتر حمایتی این کشور در مقابل ضرورت‌های برتر منطقه‌ای و حل بحران‌های داخلی هستند. علاوه بر اینها، رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از تعارض‌های ماهیتی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با نظام سکولار آذربایجان، به تبلیغات روانی-سیاسی دست می‌زند که ایران به دنبال تحمیل الگوی حکومت دینی خود در جمهوری آذربایجان است. همچنین رژیم صهیونیستی در کنار مقابله با اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان، به دنبال تقویت فرقه‌های ضاله در این کشور با استفاده از خلاءهای متعدد موجود در جمهوری آذربایجان است. در این راستا، تبدیل کردن باکو به پایتخت بهایی‌ها مورد توجه تل آویو است. این موضوع در ۲۰۰۵ فاش شد و پس از پی‌گیری سفارت اسرائیل در باکو و کسب مجوز مقامات جمهوری آذربایجان، انجمن بهاییان فعالیت خود را در این کشور عملاً آغاز کرده است.<sup>۶۰</sup>

از رهگذر این جنگ روانی، این رژیم درصدد ایجاد هراس و احساس ناامنی رهبران منطقه از

توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران است. از نظر اقتصادی، توانمندی‌های اسرائیل در بخش‌های کشاورزی و صنعت، ساختمان و توریسم از یک سو و نیاز آذربایجان به بهره‌گیری از روش‌های علمی و سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها به همراه زمینه‌های ذهنیتی مثبت نسبت به این رژیم به صورت فاکتورهای تعیین‌کننده در افزایش همکاری‌های متقابل در این حوزه‌های اقتصادی شده است. حضور اقتصادی این کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی علاوه بر اینکه فرضیه‌ساز ارتقا دیگر زمینه‌های همکاری است، باعث می‌شود که سطح همکاری‌های ایران در این حوزه‌ها و بهره‌گیری‌های اقتصادی از آن به شدت کاهش یابد که این مساله زیان‌های اقتصادی و تحدید نفوذ ایران را در منطقه به دنبال خواهد داشت. از این نظر است که بعد اقتصادی امنیت ملی با تحدید و تضعیف مواجه می‌گردد.

طی سال‌های اخیر شرکت‌های دولتی و خصوصی اسرائیل در منابع نفتی و گازی آذربایجان فعال شده و در بسیاری از پروژه‌های انتقال نفت و گاز آذربایجان، سهمی را بر عهده دارند و علاوه بر آن، اسرائیل «دومین واردکننده بزرگ نفت» از آذربایجان است.<sup>۶۱</sup> از سوی دیگر، حمایت رژیم صهیونیستی از خط لوله نفت باکو - جیحان که از مسیرهایی غیر از ایران عبور می‌کند که حتی قبل از آغاز پروژه بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل، در طول سفر خود به باکو در ۱۹۹۷ که به واردات نفت از طریق این خط لوله ابراز علاقه نشان داده بود،<sup>۶۲</sup> مؤید راهبردهای نفوذ ایالات متحده و اسرائیل در این منطقه است و باعث محروم شدن ایران از منافع اقتصادی حاصل از چنین پتانسیل‌هایی می‌باشد. پی‌آمد دیگر این مساله که به مراتب واجد اهمیت بیشتری است، منجر به تخلیه ژئوپلیتیکی ایران و تضعیف موقعیت آن در مناسبات ژئوپلیتیک و قدرت می‌گردد.<sup>۶۳</sup> به عبارت دیگر، با حضور و سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی و اسرائیلی عملاً حضور اقتصادی ایران در این منطقه توسعه نیافته است. هدف واشنگتن و تل‌آویو آن است که با پی‌گیری اهداف انرژی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت و گاز و حمایت از انتقال انرژی منطقه از مسیرهایی به جز ایران، علاوه بر منافع اقتصادی موقعیت ژئوپلیتیک ایران را با چالش مواجه نمایند.<sup>۶۴</sup> بدین ترتیب، می‌توان گفت حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و شرکت فعال آن در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی و فرهنگی به واسطه الگوی

حاکم بر مناسبات این رژیم با ایران، آن را به عرصه برد - باخت تبدیل می‌کند. اسراییل در واقع به‌عنوان بخشی از اهدافش درصدد تحدید نفوذ ایران در آذربایجان و محروم کردن تهران از برخورداری از مزایای منطقه طبیعی نفوذش می‌باشد. فعالیت‌های مختلف نظامی - امنیتی، سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی رژیم اسراییل در این کشور با جهت‌گیری ضداسلامی همراه است که جمهوری اسلامی ایران نماد ترویج ایدئولوژی آن محسوب می‌شود.

بدین ترتیب، حضور اسراییل در آذربایجان که واجد ویژگی‌های مجاورت با مرزهای ایران، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی است، بر اساس نظریه بوزان با توجه به الگوی روابط آنها که خصمانه می‌باشد، می‌تواند به منزله افزایش آسیب‌پذیری منافع و امنیت ملی ایران در این منطقه باشد؛ در واقع در حالی که سرزمین اصلی اسراییل از نظر بعد مسافت و موقعیت جغرافیایی خارج از مقوله مجاورت برای ایران است. در واقع با اتکا به همین نظریه بوزان می‌توان گفت، رژیم صهیونیستی با نفوذ در این کشور با توجه به اینکه یکی از اهداف عمده آن مقابله با جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی اسلام‌گرایی و ضد اسراییلی آن می‌باشد، با ابزارهای مختلف درصدد خواهد بود که از دامنه نفوذ و اثرگذاری ایران بکاهد و ساختار امنیتی منطقه به‌گونه‌ای چیده شود که ایران در آن به بازیگر حاشیه‌ای تبدیل گردد. این در حالی است که آذربایجان محیط امنیتی ایران محسوب شده و تحولات آن در هر بعد و سطحی بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران اثر گذار است.

### نتیجه‌گیری

ورود رژیم صهیونیستی به آذربایجان و افزایش گام‌به‌گام نفوذ آن در این کشور، توانایی‌های طرفین، قدرت تهاجمی این رژیم و نیز مجاورتی که به یمن چنین حضوری امکان‌پذیر شده است، مساله‌ای حایز اهمیت بوده و دارای عواقب مختلف بر ایران است. بنابراین، با توجه به بعد فاصله میان تل‌آویو و تهران، انجام هرگونه اقدام نظامی علیه ایران با موانع مختلفی روبه‌رو است و عملاً از شدت تهدیدهای ایجاد شده می‌کاهد، اما با روابط گسترده این رژیم با جمهوری آذربایجان، این بعد مسافت کم‌رنگ شده و در واقع این رژیم تا حدودی به مرزهای ایران نزدیک

شده است. این شرایط امکان بهره‌برداری‌های نظامی-امنیتی مستقیم اسرائیل را از شرایط موجود و امکان اقدامات نظامی علیه ایران را افزایش می‌دهد.

از طرف دیگر، نفوذ اسرائیل در آذربایجان، اقدامات روانی گسترده‌ای را علیه ایران به‌راه انداخته است و از این طریق ضمن ایجاد بدبینی و سوءظن در دولت‌مردان آذربایجان درصدد ایجاد فاصله انداختن بین باکو و تهران و تضعیف روابط میان آنهاست. این مساله به این معنی است که جمهوری اسلامی ایران به‌راحتی نمی‌تواند در منطقه اهداف خود را پیش برده و در روند تحولات آن به بازیگری فعال تبدیل شود. با توجه به هم‌گرایی راهبردی - امنیتی اسرائیل در منطقه خاورمیانه با ایالات متحده و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران با موجودیت رژیم صهیونیستی، هرگونه افزایش حضور اسرائیل در محیط امنیتی پیرامونی ایران مثل حضور در آذربایجان به انحاء مختلف به معنای کاهش نفوذ و قدرت اثرگذاری تهران تلقی شده و طبیعتاً تهدیدی برای امنیت ملی کشورمان به حساب می‌آید.

حضور امنیتی - راهبردی و اقتصادی تل‌آویو در آذربایجان بر مبنای رهنامه پیرامونی بن‌گوریون و خاورمیانه جدید شیمون پرز، باعث تحدید حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران شده است. بنابراین، می‌توان گفت هرگونه افزایش قدرت اثرگذاری رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و تحت هر امکانی، با بهره‌گیری از هر شیوه‌ای و به هر میزانی، منجر به ایجاد تهدیدی علیه منافع و امنیت ملی ایران می‌گردد و بازی رقابتی برد - باخت را به نفع این رژیم رقم خواهد زد. با توجه به شرایط موجود است که حضور اسرائیل در محیط امنیتی ایران و در منطقه‌ای که حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و یا بخشی از آن به حساب می‌آید، عامل تهدیدزا برای امنیت ملی ایران محسوب می‌گردد. برخی از اقدامات آذربایجان که روابط گسترده‌ای با تل‌آویو ایجاد نموده است، به‌نوعی تحقق برخی تهدیدهای برآمده از وضعیتی است که از دهه ۱۹۹۰ در این منطقه روی داده و با بروز حادثه ۱۱ سپتامبر در ۲۰۰۱ به اوج خود رسیده است.

## منابع و یادداشت‌ها:

۱. قدیر نصری، نفت و امنیت ملی ج. ۱. ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳.
2. Barry Buzan and Dewilde Waver, *Regions and Powers the Structure of International Security*, New York: Cambridge University Press, 1998, p. 201.
۳. رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶.
۴. همان، ص ۲۶۴.
5. Shimon Prez, "The New Middle East," USA: New York, 1993, p. 53.
۶. محسن کرمی ناوه‌کش، «واکاوی چالش‌های پیش روی ایران در عدم عبور خطوط انرژی به بازارهای جهانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، آذر ۱۳۹۱، ص ۶۴.
7. *Eastern Europe, Russia and Central Asia*, London & New York: Routledge, 8 th edition, 2008, p. 103.
۸. سعید وثوقی، «تهدیدات امنیتی ج. ۱. ا. در منطقه قفقاز جنوبی»، فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره اول، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴.
۹. رضا نعیمی، «نظامی شدن دریای خزر»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۷، مهر ۱۳۸۸، ص ۵۸.
۱۰. آلیگو ولگا و تامس ساینه، گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ترجمه محمدرضا گلشن‌پزوه و دیگران، تهران: ایرار معاصر تهران، ۱۳۸۲، ص ص ۴۸۳-۴۸۲.
۱۱. منابع نفت جمهوری آذربایجان، قابل دسترسی در: <http://www.kepco.ir/default.aspx?tabid=128>
۱۲. آذر جزایری، «طلسم نفت ایرانی خزر در دست همسایه‌ها»، خبر آنلاین، ۹ خرداد ۱۳۸۹، <http://www.khabaronline.ir/detail/65344>
۱۳. سیدمحمد رضا میرمحمدی، «جمهوری آذربایجان در تکاپوی نقش بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۱۸، ص ۳۷.
14. BP Statistical Review of World Energy June 2012. P20 BP.com/statisticalreview
۱۵. بهرام امیر احمدیان، «پتانسیل‌های حمل و نقل انرژی در قفقاز و نقش ژئوپلیتیکی آنها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۳، ص ۳۶.
۱۶. فتح‌الله دهقان، «بررسی منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر و تاثیر آن بر امنیت ملی»، تهران: نشر همکار، ۱۳۸۲، ص ۹۰.

۱۷. رضا حجت شمامی، «رژیم صهیونیستی؛ جستجوی هویت گم شده»، *دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا*، شماره ۲۳ خرداد و تیر ۱۳۸۸، ص ۴۱.
18. Rephael Isral, "Return to Saure; the Republics Central Asia & Middle East," *Central Asian Survery*, Vol. 8, No.1, 1999, p. 49.
19. Anoshirvan Ehteshami and Emma Murphy, "The Non — Arabi Middle East and Caucusion," *Central Asia Republics Israel*, Vol. 12, No. 1, April \_ 1994, p.110.
20. Azerbaijan Statistics Database. World Trade Organization, 2008, <http://www.interl specialreport.com/cisenttraisi/ Azerbaijan/israeki embassy>
۲۱. ابوالحسن شیرازی و علیرضا ملاقدیمی، «اصول و ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۵۷.
22. Ilya Bourtmán, "Israel and Azerbaijan's Furtive Embrace," *Middle East Quarterly*, 2006, p.4, <http://www.mefoum.org/987/israel-and-azerbaijans-furtivepembrace> .
۲۳. الیاس واحدی، *برآورد استراتژیک جمهوری آذربایجان*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۱.
۲۴. رضا فیروزی، «حضور نظامی آمریکا در جمهوری و امنیت ملی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲.
25. Azerbaijan Statistics Database. World Trade Organization, 2008.
۲۶. احمد کاظمی، «عوامل نا امنی در قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۰، ص ص ۴۹۲-۴۹۱.
۲۷. ابوالحسن شیرازی و محمدرضا مجیدی، *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی*، نشر قومس، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵.
28. Alexander Murinson, "Azerbaijan- Turkey- Israel Relations: the Energy Factor," *The Middle East Review of International Affairs*, 2008, p.4, [www.worldsecuritynetwork.com/documents/2088sep-murinson4.pdf](http://www.worldsecuritynetwork.com/documents/2088sep-murinson4.pdf) .
۲۹. احمد کاظمی، *امنیت در قفقاز جنوبی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۳۲۷.
۳۰. محسن کرمی ناوه‌کش، «سناریوی ضد ایرانی کشورهای غربی برای کاستن از اهمیت راهبردی تنگه هرمز»، گزارش فعالیت تحقیقاتی دوره ضرورت نخبگان، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، آذر ۱۳۹۱، ص ۵۳.

31. *Irannews*, 5/7/2005.
۳۲. ام‌البنین چابکی، «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال دوم، شماره ۴، تابستان و پاییز، ۱۳۸۸، ص ۷۷.
۳۳. محمدعلی بصیری و مؤگان زمان آبادی، «اهداف سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سیزدهم، دوره چهارم، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۴۸.
34. Alexander Murinson, op.cit., p. 3.
35. Valeh Aleskarov, "Current Trends and Developments in Azerbaijan's Oil," *Azerbaijan International*, Vol. 9. No. 1, Spring 2001, available at: <http://azer.com/aiwb/categories/magazine/91.../91-socar-alasgarov>
36. Alexander Murinson, op.cit.
37. "Israel and Azerbaijan: An Interview with Arthur lenk," *Azerbaijan Diplomatic-Academy- Biweekly*, 2008/4/29, [http://en.wikipedia.org/wiki/Azerbaijan%E2%80%9393Israel\\_relations](http://en.wikipedia.org/wiki/Azerbaijan%E2%80%9393Israel_relations)
۳۸. «رژیم صهیونیستی خواستار دریافت نفت خام از جمهوری آذربایجان و گاز روسیه شد»، خبرگزاری اسکانیوز، ۱۳۸۷/۴/۳۱، [www.iscanews.ir](http://www.iscanews.ir)
۳۹. «رژیم صهیونیستی به دنبال منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان»، ۲۰۰۸/۶/۱۶، [www.nafttimes.com](http://www.nafttimes.com)
۴۰. «ترکیه گاز جمهوری آذربایجان را به رژیم صهیونیستی منتقل می‌کند»، [www.Ravy.ir/content4153900-htm](http://www.Ravy.ir/content4153900-htm)
۴۱. ام‌البنین چابکی، پیشین، ص ۸۰.
۴۲. وجیهه مهری پرگو، «بررسی روابط ایران و آذربایجان»، گزارش و مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶، صص ۲۰-۱۴.
43. Mony Hadar, "The Last Day of Likud," *Journal of Palestine Studies*, Vol. 21, 1992, pp. 34- 36.
۴۴. آلن بن مایر، «واکنش اسرائیل به ایران هسته‌ای»، ترجمه محسن کرمی ناوه‌کش، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، سال سیزدهم، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۱۶۲.
45. "Israel Armenia Resume Dialogue," <http://www.jinsa.org/articles/03-2006/1152/html>.
۴۶. کریستوفر بوسک، «روابط اسرائیل با آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت منطقه»، مجموعه مقالات یادهمین همایش بین‌المللی قفقاز و آسیای مرکزی، گردآوری پروین معظمی گودرزی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷.

47. Clare Doyle, "Genocide Debate Complicates Search for Karabakh Peace," Euroasianet.org, 03 June 2002. (<http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav030602a.shtml>)
48. Azerbaijan is Israel's Secret Staging Round against Iran, March 30, 2012, <http://www.nation.com.pk/pakistan-news-newspaper-daily-english-online/international/30-Mar-2012/azerbaijan-is-israel-s-secret-staging-round-against-iran>
۴۹. ولی کوزه‌گر کالجی، روابط اطلاعاتی - نظامی رژیم اسرائیل و آذربایجان و تهدید علیه امنیت ملی ایران: مؤسسه چشم‌انداز توسعه و امنیت، ۱۳۹۱، <http://idsp.ir/fa/pages/?cid=6497>
۵۰. کابک خیبری، «بحران اطلاعات و اقدام پیش‌گیرانه امنیتی آمریکا»، پژوهشنامه امنیت بین‌الملل، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵، ص ۱۱-۱۰.
51. "Armenia - Israel," <http://www.fas.org/2-2007/htm>.
52. "Israel and Azerbaijan: Baku's Balancing Act," CRIA, 02 February 2009. ([http://cria-online.org/CU\\_-\\_file\\_-\\_article\\_-\\_sid\\_-\\_21.html](http://cria-online.org/CU_-_file_-_article_-_sid_-_21.html)).
۵۳. اصغر جعفری ولدانی، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۲، ص ۶۴
54. "Telecommunications and the Information Society," *Political Inelegance & Internews*, December, 2006, [http://ec.europa.eu/information\\_society/activit%20ies/internationalrel/docs/pi\\_study\\_rus\\_ukr\\_arm\\_azerb\\_bel\\_geor\\_kaz\\_mold/0\\_cover\\_page.pdf](http://ec.europa.eu/information_society/activit%20ies/internationalrel/docs/pi_study_rus_ukr_arm_azerb_bel_geor_kaz_mold/0_cover_page.pdf)
55. R. Hrair Dekmejian, & H. Hovann Simonian, *Troubled Waters the Geopolitics of the Caspian Region*, London, I.B.Tauris & Co Ltd, 2003, pp 125- 126.
۵۶. مهدی جاودانی مقدم، «سیاست خارجی اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی و با سیستم‌های سیاست خارجی ایران»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸، ص ۴۱
۵۷. «اعتراض ایران به پیشنهاد تاسیس وزارت آذربایجان جنوبی در باکو»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۳۹۱/۹/۲۴، <http://www.asriran.com/fa/news/245986>
۵۸. کریستوفر بوسک، پیشین، ص ۲۶۶
۵۹. کریستوفر بوسک، پیشین، ص ۲۶۴
۶۰. رسول افضل، مصطفی رشیدی و افشین متقی، «تحلیل ساختار ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ میلادی با رویکرد جغرافیای بر ساخت‌گرایی»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸، ۱۳۹۱، ص ۱۳

61. Richard Allen, *Green Group Eyes More Trade Ties between Israel and Azerbaijan*, Jewish Telegraphic Agency, 11 August, 2002.

62. "Azerbaijan - Israel to Buy Azeri Light and Provide Passage to Eastern Markets," *All Business*, 17 July 2006; <http://www.allbusiness.com/sector-21-mining/oil-gas-extraction-crude/1185757-1.html>.

63. Alex Kogan, "Azerbaijan: Israel's Problematic Energy Provider," *The Jerusalem Post*, 7 November 2007, <http://www.jpost.com/servlet/Satellite?cid=1192380757626&pagename=JPost%2FJPostArticle%2FShowFull>

۶۴. راضیه ابراهیم‌زاده، «نقش‌آفرینی قدرتهای منطقه‌ای در حوزه خزر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

دانشگاه خوارزمی، دی ۱۳۹۱، ص ۵۱